



## "ارتباط با علی علیه السلام"

گاه "علی علیه السلام" است

با او ارتباط برقرار کن، مگذار مانند بسیاری از مردمان "علی علیه السلام" همچون خاطره ای، نقاشی ای یا حتی شعری در گوشه ی ذهنت باشد او "وجودی" است که بایستی با آن "ارتباط" برقرار کرد، که "بهره" بردن بعد از ارتباط رخ می دهد

- ارتباط؟!

- آری

- چگونه؟! مگر می شود اراده کرد و ارتباط برقرار کرد؟!

- خیر، ارتباط ارادی نیست و مستقلا امکان ندارد، بلکه ثمره ی "توجه" است، یعنی به میزان توجه، انسان می تواند ارتباط برقرار کند

- خوب "توجه" هم ارادی نیست!

- بلی، توجه هم ارادی و مستقل نیست و ثمره ی "معرفت" است، یعنی به میزان معرفت، انسان می تواند توجه کند

- ولی "معرفت" هم که ارادی و مستقل نیست! یعنی نمی شود به انسانی گفت معرفت پیدا کن، و او اراده کند و معرفت پیدا کند!

- احسنت، معرفت هم ارادی و مستقل نیست و ثمره ی "علم" است...

اما "علم" مستقل است و کاملا در اختیار "اراده" انسان است

پس برای "ارتباط" با "علی علیه السلام" گام اول "تعلیم" است، پیرامون او "علم" پیدا کن، از چشمه ی بی همتای تعالیمش بنوش و سیراب شو

راستی چرا بسیاری از بسیاران، پیرامون او "کتاب" و مقاله و یادداشت و حتی ورقه ای مطالعه نکرده اند؟!

مگر بدون "کتاب" می شود اندیشه کرد!

اگر بهتر از کتاب وسیله ای جهت ورود به عالم معقولات و حقایق بود،  
حتما الله تعالی سخنانش را در قالبی غیر از "کتابُ الله" یعنی قرآن ارائه  
می کرد...

بگذرم

پس پیرامون "علی علیه السلام" و آثارش بخوان

وقتی انسان از جهل رها شد و به وادی علم رسید، به هر میزان که علمش  
را به "فعلیت و عمل" بیاورد، ثمره اش می شود "معرفت"  
به هر میزان که معرفت دارد، می تواند به "وجود حقایق" که نه زمان دارند  
نه مکان، "توجه" کند

و به هر میزان که بتواند به وجود حقایق توجه کند، به همان میزان حقایق  
به او "توجه" خواهند کرد و آنگاه با آنان "ارتباط" برقرار می کند و تازه در  
"ارتباط" است که آن حقیقت می تواند به ما "بهره" برساند...

که راز "فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ" در ارتباط و بهره اش فاش خواهد شد...

کافی است به "مولا" اقبال کنی، ما بقی اش با اوست

- اقبال کنم یعنی تا وادی ارتباط پیش بروم؟

- آری

آنگاه او تو را می پروراند، "رشد" می دهد

هیچ انسانی به تنهایی نمی تواند از "غی" و پوچی "رها" شود

برای همین اکثریت در احساس پوچی به سر می برند

تنها "مولا" است که انسان را از "غی" به "رشد" می رساند

و این "هدف" خلقت انسان است

این احساس "هویت" پیدا کردن انسان است

این همان مقام "ولایت" انسان است که گم کرده ی اوست و بی خبر است...

بالتر از بی ارتباطی با "صاحب و مولا" در عالم دردی نیست، ظاهرا انسان

دردهای بسیاری دارد، اما باطن تمام دردهایش همین است؛ او با صاحبش

در قطع رابطه به سر می برد

"غدیر" آغاز همین رابطه است

این رابطه را بایستی آغاز کرد

"غدیر" گرامیداشت یک اتفاق تاریخی نیست!

"غدیر" برای بزرگداشت یک رخداد نیست!

"غدیر" یعنی گاه "مولا" شدن "علی علیه السلام" در دل مومن

و اگر این مولا شدن سابق آغاز شده است، از آن پس هر سال غدیر تمدید

این صاحب دار شدن است که نور علی نور...

برای همین "شیعیان" در غدیر در اوج شادی و ابتهاج اند

آنان چشیده اند طعم این ارتباط را که بدون آن نه دنیا زیبا است نه آخرت

خواستنی

نه زندگی زیبا است نه بندگی خواستنی...  
بلند شو، "صاحب و مولای مهربان تو" سالهای سال است در انتظار توست  
از "مفهوم" علی بگذر و با وجود او ارتباط برقرار کن  
برای این آغاز شگفت انگیز هم به سان اسلافِ حیدری مان از "وجودِ خودش"  
مدد بگیر  
و بگو "یا علی"

